



بقلم غلام جیلانی خان جلالی  
مدیر معارف و لایٹ قند ہار

## قلعہ بست وراپور مفصل گمان تاریخی آن

چندی پیش با امتثال امر نامہ نمبر ۶۶۲ دوم عقرب ریاست محترم تعلیم و تربیہ کہ بہ امر ولی نعمت باشرفم سردار محمد نعیم خان و ڈیر صاحب معارف اصدا ریافتہ بود از قندہار بمعیت یکنفر مهندس جهت معاینہ طاق معروف قلعہ تاریخی ( بست ) رقم و آنرا مطابق ہدایات آن سردار نامدار کہ راجع بہ حفظ این آبدۂ تاریخی در نظر دارند « بدقت وغور معاینہ کردم. آنچه در بارہ این اثر صنعت معماری قدیم وطن چہ در تاریخ و چہ در نگارشات سیاحین خواندہ بودم بیش ازین نبود کہ این قلعہ باشہامت را نمونہ از تمدن تاریخی و یادگار تاریخی از ادوار درخشان باستانی افغانستان عزیز تصور کنم و این گمان بلندبالا را کہ بنام «طاق بست» شہرت دارد و در یک میدان صاف بایک مہارت ہندسی قدیم وطن بریاشدہ شاہد این مدعا بدانم، یعنی نسبت بہویت این طاق استعمال موادیکہ در ساختمان این بنای آبرومند کار شدہ و دیگر ملاحظیات ہندسی آن در آنچه بنظر و مطالعہ نگارندہ برخوردارہ چیزئی ندیدہ و نہ خواندہ ام بنا بر ان چون شنیدن قایدن یک شی فرق داشتہ میباشد ذیلاً مشاہدات عاجزانہ خود را نسبت بہ این موضوع مینوسم تا بعقیدہ خود کیفیت وضعی و موقعیت محیطی این قلعہ و طاق را بخوانند گمان عزیز

و علاقه مندان آثار عتیقه وطن قدری واضح تر ساخته باشم!

قلعه بست غرباً بفاصله تخمیناً ۱۲۵ کیلومتر از شهر قندهار و به ۷۵ کیلومتر در جنوب غربی کشکنخود و ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی قلعه گرشک متصل بصلح طرف راست شمال غربی همان رأس زاویه وقوع دارد که از تقاطع رود هیرمند و ارغنداب احداث می شود ازین قلعه گرچه مورخین عرب در ادوار مختلفه امویها و عباسیها و زمان سطره امرا مکرر ذکر میکنند اما در مطالعات بنده راجع بوجه تسمیه و تاریخ عمران آن بحیثیکه انسان بآن قانع شود چیزی بنظر نرسیده است بهر حال قلعه بست که اکنون بیش از ویرانه نیست به شرق و غرب احاطه خود دو دروازه دارد که آثار آن تا کنون باقی است و به قسمت جنوب غربی قلعه بالای یک تپه متوسط حصاری برپا شده که تا کنون اکثر حصص دیوارهای آن بامرور زمان مقاومت نموده و استاده است این بنا در هر حصه از مشاهده خشت و اجر و باره متانت و استحکام باستانی خود را باثبات میرساند و در وسط حصار چاه مدور عمیقی حفر و تعمیر شده که عمق آن با سطح زمین حوزه (حوضه) هیرمند و ارغنداب برابر است و این چاه تا حدیکه بسطح آخر خود میرسد بچندین حصه قسمت شده که در قدیم بهر تدویر سرطانی خود دخانه هائی از اجر داشته چنانچه روی خشتهای آن کمانکرت کردگی و سه طبقه خانه های آن بالای هم تا کنون لشم و صفا معلوم میشود.

موادیکه در تعمیر این چاه و اطاقهای دوره آن استعمال شده عبارت از چونه ریگ و قدری خاکستر است اما این مواد معمولی باین قابلیت فن قدیم معماری باندازه با اجر بنا جوش خورده که مانند سنگ ماربل سخت و متین است گمان میرود که ساکنین حصار در قدیم بزمان قلعه بندیها ذریعه نقبیکه برود هیرمند زده بودند از آب این چاه استفاده مینمودند. علاوه بر حصص شمال شرقی قلعه

تا حدوده کیلومتر آثار عمرانات مخروبه دیده میشود، بظن غالب مجموع این عمارات شهر باستانی بیست را تشکیل میداد، گذشته بر آن تا فاصله (۵۶) کیلومتر بساحل چپ هیرمند تا که انسان بحدیپل گرشک میرسد فاصله بفاصله بهر بلندی قلعه ها آباد بوده که آثار مخروبه آن معلوم میشود. از قرار معلومات و حکایات مردمان بومی تعداد قلعه های مذکور به بیست بالغ میشود و احتمال قلعه بیست عبارت از مجموع همان قلعه هاست که اکنون در بین نویسندگان بنام قلعه بست شهرت یافته است.

زاویه بین هر دو رود هیرمند، ارغنداب بتدریج وسعت یافته سرزمین مذکور تا کنون نهایت شاداب و سرسبز دیده میشود مجری نهر ارغنداب ربگستان مشهور قندهار و ساحل راست هیرمند ناوه بار کزائی را از منطقه قلعه بست جدا میکند. بآنطرف نهر یعنی ساحل راست هیرمند به فاصله ۱۵ کیلومتر به شمال غربی قلعه بست در وسط ناوه بار کزائی شهر تاریخی بولان آباد بوده که آثار ویرانه آن با فصیل و خندق و دیسگر عالییم تعمیراتی آن تا کنون هویدا است و اطراف مذکور نام تاریخی خود را حفظ کرده به بولان معروف است.

همچنان بساحل فوق الذکر نهر هیرمند تقریباً بقدر ۱۸ کیلومتر بجنوبی غربی قلعه بست شهر قدیم زر اسپ یا هزار اسپ بنا یافته بود که تا هنوز علامات شهری آن معلوم و در بین مردمان بومی به (هزارس) شهرت دارد.

والحاصل اراضی قسمت شمال شرقی قلعه بست از نهر موسوم به سرکار که از رود هیرمند کشیده شده؛ زمینهای حصص جنوب شرقی آن از نهر ارغنداب آبیاری میگردد.

ساختمان قدرتی زمین مزروعی آن ریگ آمیز مایل بسیاهی است ولی در بعضی حصص با مواد عمرانی آمیخته قدری سفید بنظر میرسد. گمان مذکور بصورت



نیم دایره بیضوی الشكل بنا یافته و تر آن با اندازه ۱۶ و نیم متر و ارتفاع آن از مرکز تا رأس زاویه طاق مذکور بدون ضخامت خود کمان یعنی Clear Hight ۷۰ سانتی ۱۳ متر و با ضخامت خود کمان ۳۰ سانتی ۱۵ متر است. باین حیث ستبری خود کمان عبارت از يك متر میباشد.

شعاع کمان از رأس زاویه بهر ۶۵ سانتی ۲ متر امتداد بجانب پایه راست و چپ عبارت از ۹۰ سانتی ۱۲ متر و ۷۰ سانتی ۱۱ متر و ۵۰ سانتی ۷ متر میباشد.

چپ مقابل نظر کمان بهر دو طرف بقدر یکنیم ' یکنیم خشت خرمن دارد و در مابین این دو خرمن اطراف دو خشت بطول کار شده روی خشت ها بطرف زمین مقابل نظر بخط شبکه دارترین یافته که از پارچه های اجر میباشد ' مابین خطوط مربعات مذکور باز يك رقم نقوش میناتور نما کشیده شده ضخامت رأس زاویه کمان با اندازه يك متر و الکی کمان مذکور در حدی که جانب پایه ها راست و چپ بکیفیت انحنائی فرود آمده به نزدیک پایه ها ۲ متر میباشد.

این کمان معلوم می شود که دو لایه بود اول آنکه لکی آن بحد رأس زاویه همان يك متر است که تا حال دیده می شود ولی از طبقه دوم آن اکنون با اندازه يك خشت و در بعضی جاها بیشتر از آن باقی مانده که بر طبقه اول بنمایافته و استوار است.

عرض سر کمان از طرف بالا ۳۱ سانتی ۳ متر است.

این طاق بهر دو جانب بچنان پایه های اصلی استوار شده که هر کدام بقدر شش و نیم متر ارتفاع دارد.

اصل پایه مذکور با ارتفاع فوق دارای عرض ۲۰ سانتی و ۲ متر و طول ۱۰ سانتی و ۳ متر میباشد.

هر کدام از این پایه های اصلی از عقب بذریعه يك يك پایه عارضی دیگر مستحکم شده که ارتفاع هر واحد آن بیش از پنج و نیم متر از روی زمین نیست یعنی هر کدام

این پاریه های ضمیمه از پایه های اصلی که کمان بالای آنها استوار است بقدر يك متر کوتاه تر است . مجموع لکی هر پایه اصلی و ضمیمه آن که تا کفون باقی مانده حسب آتی است :-

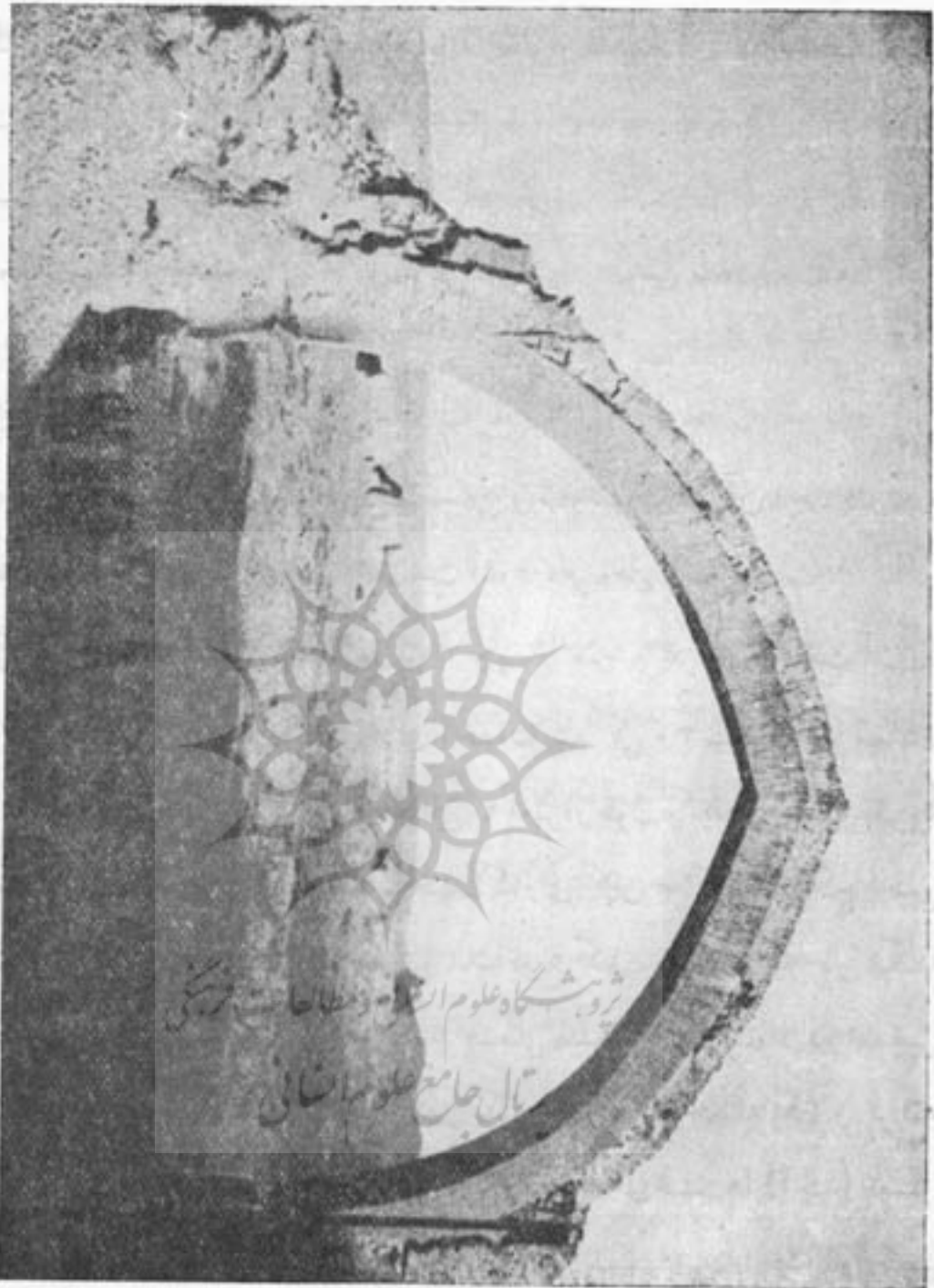
پایه راست :-

طول ضخامت پایه و ضمیمه آن ۸۰ سانتی ۵ متر ، عرض ضخامت مذکور ۱۰ سانتی ۳ متر است .

پایه چپ :-

این پایه بوسیله تخریباتی که با اثر حوادث طبیعی و کاه شهابی که در آن احداث شده نهایت ضعیف گردیده که اگر ترمیم و درست نشود معرض بخطر است .

طول لکی پایه با ضمیمه آن که باقی مانده ، چهار متر و عرض ضخامت آن بادر نظر گرفتن شکافها و فرورفتگی های احداث شدگی ۲۰ سانتی ۲ متر میباشد که نسبت به پایه راست اول الذکر ۸۰ سانتی ۱ متر از طول و بقدر ۱ متر تقریباً از عرض بار بکتر و ضعیف تر است . در تعمیر خشت کاری کمان مذکور تنها کچ و طنی استعمال شده که مردم قنبد ها را آنرا از يك نوع گل مخصوص زر در ننگ بسذریعه آتش دادند پخته میکنند یعنی معلوم می شود در تعمیر اولی بنای مذکور کاپانگاریت چونه وورنگ ، سندله و چونه بکار برفته تنها مصالح ساختمان همان ماده بسبط کچ و طنی است ، ولی خشت ها (اجر) تعمیر این کمان بجدی محکم و پخته است که از نهایت پخته گی سفیدی در خشد و حجم هر واحد آن هم از خشت پخته و طنی امروزه کلان تر است - در پایه های کمان مذکور مخصوصاً پایه دست چپ آخر الذکر گرچه حوادث طبیعی تخریبات احداث کرده اما بظن غالب در گذشته بعضی مردمان بی حس بومی نیز در آن شرکت کرده اند چنانچه بجوار قلعه بست در قشلاق موسوم بزیرارت امام صاحب "رح" از خشت پخته



قلعه بست قندهار (متعلق مقاله متن)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 سال چهارم علوم انسانی



قدیم تر ناب بلندی برای گذر دادن آب از يك شيله کلان ساخته بودند .  
 طاق قلعه بست بداخل احاطه قلعه و بجانب مشرق شمالی حصار بست که بالای  
 تپه واقع است و قبلاً بآن اشاره رفت بنایافته - فاصله کن از بیخ تپه حصار مذکور  
 با اندازه ۵۰ متر خواهد بود. این طاق چون در حال بکدام بنائی اتصال و استناد ندارد  
 در يك میدان هموار برپا شده معلوم نمی شود که برای چه مطلب بوده کمان میرود  
 دروازه بود که در داخل فصیل و احاطه قلعه بجانب حصار باز میشد - اینکه بالای  
 سرکان مذکور مانند چهارسوق کابل و یاقندهار در قدیم کدام بنای دیگر بوده و یانه؟  
 از وضعیت فعلی معلوم نمی شود زیرا در ماورای کن بجز یک میدان هموار و فراخ کدام  
 علامه عمارت اشکار نیست از وضع ساختمان علامات هندسه اسلامی آشکار و به پهلوی  
 پایه های آن بعضی خطوط درهم و برهم کوفی قدیم دیده می شود چنانچه از روی  
 فوتو هویدا است .

بکنفر موسفید بست موسوم به فوج الدین اکار و ابیات عجیب و غریبی از تعمیر  
 این طاق حکایت میکرد مثلاً يك روایت از آن جمله این بود که در قرون باستانی  
 میرنگار نام دختر کدام حکمران بست در حین مرض موت خودش از پدر خویش خواهش  
 نمود که وی را بعد از وفات در محلی دفن کنند که از زمین بلند و در جو فضا باشد .  
 بنا بران والی مذکور این طاق را به پاس خاطر مریضه برپا داشت و برای  
 دختر خود بالای سرکان مرقدی تیار کرده زمانیکه میرنگار فوت نمود او را بحکم  
 وصیتش بالای بلندی طاق مذکور مدفون ساخت .

چیز یکه از روایات مرد معمر مذکور قریب به صحت معلوم میشد این بود  
 که مشار الیه نظر بحوادثیکه بیان میکرد تعمیر قلعه و حصار مذکور را یکنیم هزار سال  
 قبل از امروز تصور میکرد و آ بادی کنان را بعد از تکمیل ساختمان قلعه بلاثر وقوع  
 حاجت و ضرورت میدانست. در ضمن افسانهها بیان میکرد که انوشیروان معروف

از دولت و اقبال حکمران بست بر شک و هراس افتاده بر بست حمله آورد چندین ماه  
 هنگامه جنگ در بین حکمران بست و حمله آور اجنبی گرم بود اخیراً به سبب متانت  
 قلعه و حصار بست و مدافعانه ساکنین انوشیروان از فتح حصار مأیوس گردیده  
 از راهی که آمده بود واپس مراجعت نمود.

راجع بدیگر روایات او چون اکثر حصص آن محال عقلی و نقلی بنظر  
 رسید لابد از تفصیل و توضیح آن صرف نظر کردیم. (العهدة علی الراوی)

ترجمه عبدالجبارخان

### مقایسه بسط ساینس و شاعری

عصر حاضر را زمان ترقی و تمدن مینامند چه ساینس بدرجه ترقی کرده و اثرات  
 خود را مهم نشان داده که بکمی از هیئت دانان میتواند توسط آلات رصدخانه در عالم  
 فلکیات سیر نموده نظریات مهم و مختلفی ارائه دهد همچنان ماهرین کیمیا ذریعه  
 غازات زهرناک فضا را مختل و بوسیله عطریات هوارا معطر ساخته اند عناصریکه  
 در اول چهار (آب، باد، خاک و آتش) بود به هشتاد و نه رسیده از ترکیب آنها  
 مرکبات مختلفی را تیار کرده اند به نتیجه رسیدم اند که اگر بگوئیم خاک را طلا  
 خواهند ساخت مبالغه نخواهد بود. کارکنان طبیعیات اثر خود را باندازه  
 برده اند که ذرات هوارا بهیچان درآورده از هزارها گروه دورخبرها، نطقها  
 سازها و غیره واقعات دنیا را ذریعه رادبو و برق بخانه خود نشسته میشوند  
 گویا برق را که مخصوص آسمان تصور میشد بخود محکوم ساخته بمثل برق (نیز و روان)  
 ازان کار میگیرند. ازین مخابرات برق رادبو استنباط میشود که نقاط بعیده دنیا  
 همه باهم مربوط و قریب گشته اند. علاوه بران چیزیکه بیشتر قریب میسازد